

مطالعه تأثیرات استعاذه بر اخلاق فردی و اجتماعی

ناصر ناصری آقابیگلو^۱، محمد مهدی کریمی نیا^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳

^۱ سطح سه (کارشناسی ارشد) رشته فقه و اصول، پژوهشگر و مدرس دانشگاه

^۲ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیّه قم (نویسنده مسئول)

^۳ دانشجوی دکتری تخصصی علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، ایران، مدرس گروه علوم و حدیث دانشکده الهیات مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی قم

چکیده

انسان همواره برای رسیدن به تکامل روحی و معنوی در حال تحوّل و طی مسیر است و با علم، تجربه و اندوخته های کم و بیش خویش، می خواهد به هدف کمالی اش نائل گردد. طبیعی است که در این مسیر پر پیچ و خم، با فراز و نشیب هایی روبرو می شود که او را خواسته یا ناخواسته از سیر تکاملی باز می دارد. خداوند متعال با نگاهی ویژه به انسان «و نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» فطرت را در اوج عقلانیت به او ارزانی داشته و او را مخلوق بی بدیلی در روی این کره خاکی قرار داده است. همچنانی که در آیه «لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ» ، لطف بی کرانش را شامل حال تمام بندگان نموده است. در این میان نیز بندگانی را که از رحمت واسعه او غافل هستند را سرزنش می نماید. در قرآن کریم نیز وجود مبارک پیامبر گرامی اسلام (ص)، انبیاء و اولیاء الهی برای بشریت الگویی ناب از تمام ابعاد اخلاقی، معرفتی معرفی شده و با بهره گیری از حیات بی بدیل آنان سعی در رسیدن انسان به جایگاه حقیقی خود در لقاء الله را به دنبال دارد. در مقاله پیش رو نقش استعاذه بر اخلاق مورد بررسی قرار گرفته و استعاذه را نسخه ای معرفتی در جامعه به تصویر می کشد و آن را به بی بدیل ترین استمداد قلمداد می نماید که انسان را به تکامل رهنمون می سازد.

واژه های کلیدی: استعاذه، تعویذ، اَعُوذُ بِاللّٰهِ، اخلاق، اخلاق اجتماعی، اخلاق جمعی، جامعه

مقدمه

انسان در حیات خویش همواره با موانعی سروکار دارد و از بدو خلقت در معرض هجومه های مختلفی است که سعادت و شقاوت او را در کالبد دنیا و کارنامه عملش رقم می زند. از جمله این عوامل شیطان، وسوسه ها و دام های او در مرحله نخست می باشد که در وجود او رخنه کرده و در نهایت، او از طیّ طریق بازمی دارد و در تمام ابعاد معرفتی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی او متجلی می شود.

پناه بردن به خداوند یکی از اذکار الهی است که در قرآن کریم به آن اشاره شده و برای هر انسان عاقلی که به معرفت رسیده باشد، در هنگام مواجهه با شیطان و وسوس او، می تواند راهگشا باشد.

اندیشمندان و روان شناسان معتقد هستند که انسان همیشه و در همه حال باید آرامش خود را حفظ نماید تا بتواند با مشکلات پیش آمده به بهترین شکل ممکن برخورد داشته باشد. از جمله این مشکلات می توان به فروپاشی بنیان خانواده، خود بیگانگی و حتی خودکشی اشاره نمود، که تبعات فراوانی را در بی تأثیر شدن نقش پدر و مادر در تربیت فزاینده در جامعه داشته و کم کم موجبات دوری از تمام ارزش های انسانی و دینی را در پی دارد. در این صورت استعاده می تواند آرامش برای انسان را به وجود آورده و او را به سوی تکامل بشری سوق دهد.

با مطالعه آمارهای گوناگون درباره بی اخلاقی و بد اخلاقی ها به این نتیجه می رسیم که تأثیرات فضاهای مجازی و غیر واقعی در زندگی انسان روز به روز در حال افزایش است که به عنوان عاملی روانی به اختلافات در خانواده ها و بی قانونی در جامعه دامن می زند. سلامت روح و اندیشه در انسان، وجود شرایط و سالم بودن محیط، سه رکن اصلی تربیت و رشد بشر در جوامع مختلف است که تمام این سه رکن نقش اساسی را در اخلاق ایفا می کنند.

در منابع دینی، استعاده فصل قابل توجهی است که در قرآن و روایات ائمه معصومین (ع) و سیره اولیای الهی به وضوح مشاهده و به تواتر نقل شده است.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. «استعاده» در لغت و اصطلاح

«عوذ» در واژه استعاده از ماده «عَاذَ، عَوَّذَ، يَعُوذُ» در باب استفعال به عنوان مصدر است، که به «پناه جستن، پناه بردن، پناهنده شدن» معنا شده است. استعاده در اصطلاح عمده قریب به اتفاق کتاب های لغوی به معنای تحت ظلّ خداوند قرار گرفتن و پناهنده شدن به درگاه الهی آمده است.

استعاده در اصطلاح مفسرین یعنی پناه بردن به خداوند، از شرّ شیطان یا هر چیزی که ضرری را برای انسان می تواند داشته باشد. از جمله مشتقات استعاده به «مَعَاذَ اللَّهِ، نَعُوذُ بِاللَّهِ» می توان اشاره نمود؛ و در اصطلاح یعنی امان خواهی از شرّ شیطانی که دشمنی او با انسان آشکار بوده و بخاطر تکبر از حریم الهی رانده شده است.

۲. مظاهری سیف، حمیدرضا، «جریان شناسی انتقادی عرفان های نو ظهور»، چ ۲.

جبران مسعود، مترجم انزابی نژاد، رضا، «الزّائد»، ج ۱، ص ۲۵.

معنای کاربردی ماده «عَوَذُ» در اصطلاح علمای علم اصول در معنای جدیدی استعمال نشده است تا حقیقت شرعیه ای را پیدا کند. یعنی مثل لفظ «صَلَاةُ» نیست که در لغت به معنای دعا است، ولی در شرع به اعمال مخصوص اطلاق شد باشد. بنابر این عبارت «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» و امثال آن هم حکایت از تحقق طلب پناهندگی از سوی مستعید بوده و مقدمه ایجاد حقیقی حالت پناهندگی در نفس وی را به دنبال خواهد داشت.^۴

۱-۲. «اخلاق» در لغت و اصطلاح

اخلاق جمع «خُلُق» بر وزن قُفْل و «خُلُق» بر وزن أُفُق می باشد، به گفته صاحب مفردات، این دو واژه در اصل به یک ریشه باز می گردد، خُلُق به معنی هیئت و شکل و صورتی است که انسان با چشم می بیند و خُلُق به معنی قوا و سجایا و صفات درونی است که با چشم دل دیده می شود. اخلاق در انسان طبعی است که مجموع رفتار، عادات، خوی و طبع انسان را دربردارد.

مطالعه منظم آثار پدیده‌ها و عملکرد نفس انسانی از تکوین جنینی تا حیات پس از مرگ با استفاده سنجیده از روش‌های متناسب اخلاق نامیده می شود، و موضوع آن روح یا نفس انسان است. لذا مسائل و محتوای روان‌شناسی اسلامی را می‌توان بر بنیان دو محور نیازهای طبیعی و جسمی نفس از یک سو و شؤون وجودی آن از سوی دیگر شناسایی کرد. در اصطلاح به مجموعه ای رفتارهای تأثیرپذیر و تأثیرگذار انسان اطلاق می شود که از جمله آن به تجلی صفات روحی و باطنی انسان نیز می توان اشاره نمود. اخلاق شامل کنترل نفس در بحران و بلاها بوده و به عبارتی دیگر بر کنترل خواسته ها و بایسته هایی در شأن هر انسان دلالت خواهد داشت. به عبارتی اخلاق مجموعه ای است از اعمال و رفتاری که از خلقیات درونی انسان نشأت می گیرد، تا آن جایی در حتی اخلاق را با آثارش نیز می توان تعریف و توصیف می نمایند. در این میان افعالی که انسان از خود بروز می دهد، شکل مستمری ندارند، اما هنگامی که کاری بطور مستمر به صفتی تبدیل شود (همانند امساک در بذل و بخشش و کمک به دیگران) دلیل بر یک ریشه درونی و باطنی در اعماق جان و روح او دارد، که مجموعه آن را خُلُق و اخلاق می نامند. به عبارت دیگر خُلُق همان حالت نفسانی است که انسان را به انجام کای دعوت می کند بدون آن که نیاز به تفکر و اندیشه ای داشته باشد.^۶

۱-۳. «جامعه» در لغت و اصطلاح

واژه جامعه از حیث لغوی اسم فاعل مؤنث از مصدر «جمع» و به معنای گردآورنده، فراهم کننده و جمع کننده است. مفهوم «جمع» به معنای گردآوری و فراهم کردن را در آیات قرآنی زیادی می‌توان مشاهده کرد؛ مانند «وَجُمِعَ الشَّمْسُ

فیض کاشانی، ملا محسن، «تفسیر صافی»، ج ۱، ص ۷۹ «الإستعاذة تطهير اللسان عما جرى عليه من غير ذكر الله ليستعدّ لذكر الله و التلاوة و التنظيف للقلب من تلوث الوسوسة، ليتهيأ للحضور لدى المذكور و يجد الحلاوة».

منیری، حسین، «جایگاه استعاذه در اسلام و نقش آن در سلامت جامعه»، ص ۲۱.

«مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی» سال اول، شماره ۱، زمستان ۱۳۷۳، ص ۳۷.

ابن مسکویه، احمد بن محمد، «تهذيب الاخلاق وتطهير الاعراق»، ص ۵۱.

وَالْقَمَرِ ، «يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ» ۷ و «إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ» که این واژه به زبان عربی قدیم ، صرفاً در کاربرد لغوی آن تبیین شده و به معنای اصطلاحی و رایج آن به کار رفته است.

اصطلاح جامعه در میان دانشمندان، یکی از کلی‌ترین و مبهم‌ترین واژگان است. ابهام مزبور تا جایی توسعه یافته که گاه با واژگانی مانند «ملت»؛ «امت» و مفاهیمی دیگر و حتی گاه با اصطلاح تمدن به معنای «مجموعه‌ای گسترش یافته در دوره‌ای قابل ملاحظه از زمان» نیز مترادف شده است و گاه برخی عالمان اجتماعی آن را صرفاً بر اجتماعات بزرگ اطلاق کرده‌اند و جوامع کوچک تر را که به مرحله مدنیت نرسیده‌اند، جماعت، گروه، دسته و... نامیده‌اند. بنابراین دستیابی به تعریفی روشن و جامع و مانع، دشوار به نظر می‌رسد و به رغم کاربردهای بی بدیلی که این مفهوم دارد، متأسفانه تعریفی دقیق از آن به طور جامع و کامل نمایان نشده است.

۲. آثار مستقیم استعاده بر اخلاق

۱-۲. تأثیر استعاده در اخلاق فردی

استعاده یکی از مهمترین عوامل معرفت و تربیت انسان می‌باشد و تأثیرات مستقیمی بر اخلاق انسان دارد. مراتب این تأثیرات را به ترتیب در چند قسمت بیان خواهیم نمود:

۲-۱-۱. تأثیر استعاده در اصلاح نیت

در رابطه با ماهیت و حقیقت نیت، چند احتمال مهم مطرح است، یکی این که نیت عبارت است از اراده فعل به عنوان فرایندی مرکب از مؤلفه‌هایی هم چون تصور، تصدیق، میل، عزم و جزم که مقدمه نزدیک ایجاد فعل به شمار می‌آیند. بنابراین فعل همراه با نیت یعنی فعل ناشی از اراده، که در مقابل فعل اجباری و غیر ارادی می‌باشد. دیگر اینکه حقیقت نیت اراده به صورت کلی تصور نمی‌شود، بلکه نیت عبارت است از میل و شوق به انجام فعل که مؤلفه‌هایی در اراده نیز به شمار می‌آید. در نتیجه هر فعل فاقد نیت یعنی فعل اکراهی که در اثر فشار روانی بیرونی از فاعل سر بزند.

و سوم اینکه حقیقت نیت عبارت است از مرحله جزم نسبت به انجام فعل، به عنوان مرحله ای که منجر به انتخاب و ترجیح یک طرف فعل یا ترک آن و سپس تحریک عضلات و در نتیجه منجر به انجام فعل می‌شود، البته این فعل در مقابل فعلی است که از روی تردید و شک صادر می‌شود.

چهارم اینکه ماهیت نیت عبارت است از در نظر گرفتن و لحاظ غایت و غرض فعل هنگام انجام آن. بر اساس این تفسیر، فعل فاقد نیت عبارت خواهد بود از فعلی نا آگاهانه و فعلی که ناشی از عادت می‌باشد، زیرا در این دو گونه فعل، فاعل غرض و غایتی را در نظر ندارد!

سوره قیامت ۷۵، آیه ۹۹

سوره تغابن ۶۴، آیه ۹۹

سوره قیامت ۷۵، آیه ۹۱۷

در این میان واضح است که تمام این اوصاف معطوف به غرض و هدف فعل بوده و با تفسیر اخیر سازگار است، زیرا خلوص نیت و به تعبیر منابع دینی اخلاص، هنگامی تحقق می یابد که هدف فعل تنها خدا باشد و در این هدف کسی یا چیز دیگری دخالت در آن نداشته باشد.

اسلام شناسان و روان شناسان نیز بر این عقیده اند که نیت هر فرد آثار مثبت و منفی مستقیمی بر کارها و نتیجه اعمال انسان می گذارد. از این رو استعاده به عنوان عنصر اعتصام انسان با خدا، کاشف از حسن نیت مستعید داشته و استعاده در مسئله حسن و قبح عقلی نزد متکلمین، از استعاده به عنوان حسن عقلی یاد می شود.

لذا نیت برای عمل انسان معنا و مفهوم واقعی و جدیدی را می بخشد و کاری را که غایت الهی دارد را از کارهای عادی آن جدا می سازد. پس انسان برای این که کاری را انجام دهد که مقبول درگاه الهی بوده و آثار آن در دنیا و آخرت متبلور باشد، می بایست نیت نیک و خیری را در نظر داشته باشد.

در قرآن کریم به جای نیت که یک فرایند قلبی است، مصداق خاص و خالص آن «وَجْهَ اللَّهِ، مَرْضَاةَ اللَّهِ» به کار رفته است:

- «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ.»^۱
- «وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَا تُنْفِسْكُمْ وَ مَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ.»^۲

بنابراین بی تردید استعاده تأثیر مستقیم در نیت افراد داشته و سعی در اصلاح آن دارد. استعاده ریشه ی بسیاری از آرامش های روحی و روانی در انسان بوده و عواملی همانند ایسترس، دلهره و اضطراب و هم چنین تنش های عصبی، علت اصلی انزوای انسان محسوب می گردند که هر کدام از این موارد، زمینه ساز بی اخلاقی در انسان خواهد بود.

۲-۱-۲. تأثیر استعاده در اصلاح گفتار

گفتار از مواردی است که تأثیر به سزایی در کسب فضائل اخلاقی دارد و اگر همراه با استعاده باشد، آثار مثبت زیادی را به همراه خواهد داشت و در جهت نهادینه شدن اخلاق حسنه کمک حال و یاری رسان بشریت خواهد بود. امروزه گفتار درمانی در بین روان شناسان یکی از مهم ترین مباحث تقویت تفکر، روحیه و اراده، شناخته می شود و هم چنین می تواند به عنوان یکی از اصلی ترین امتیاز بشری محسوب گردد.

رویکرد اندیشمندان مسلمان در انتقال مفاهیم توسط گفتار به این شرح است که برخی گفتار را به عنوان نقش ابزاری صرف دانسته و فاقد هیچ گونه تأثیر می دانند، مانند دانستن لغت، قواعد دستوری، علم منطق و... ولی برخی از گفتارها می توانند تأثیرات مثبت یا منفی را به دنبال داشته و به تکامل یا انزوای ظنیات و ذهنیات فرد بیانجامد؛ همانند سخن از قرآن یا تلاوت آن، دعا و یا سخن از استعاده که با جاری شدن بر زبان تأثیرات مثبتی را در اندیشه انسان بر جای می گذارد.

رهنما، علی، «نقش نیت در ارزش فعل اخلاقی»، ص ۲۰.

سوره بقره: ۱، آیه ۷۱۰.

سوره بقره: ۱، آیه ۳۷۲.

بنابراین ذهنیات و افکار ما در گرو سخن خواهد بود و گاهی نیز گفتار ما می‌تواند، افکار و احساسات انسان را تغییر دهد. برای مثال: فردی که شاد است، ممکن است دیگران را با این گفتار شاد کند و یا در عین شادی فرد را بگریاند؛ ولی این موضوع به شرایط روانی و خواست او مربوط نیست بلکه علاوه بر آن به اندیشه و احساس فرد تأثیرگذار وابسته است. ذهن نیز می‌تواند از طریق ارتباطات اجتماعی بر دیگران تأثیر بگذارد، نگاه و کلام و رفتار ما دیگران را تحت تأثیر خود قرار دهد و در پس این رفتارها در افکار و اندیشه هر فرد جایگاه ویژه‌ای را ایفا نماید.

لذا مهم‌ترین وسیله تأثیر بر افکار دیگران با پدیده‌ی انتقال اندیشه در مخلوقات الهی، کلام است که آن نیز به وسیله گفتار به دیگران منتقل می‌گردد.

هم چنین برخی إلقاءات بشری به خود انسان یا هم نوع خویش، یا إلقاءات شیطان بر انسان، به عنوان تحریک افکار و عقائد از سوی شیطان است و همانند عیب جویی، فحاشی، نرسیدن به آمال، بدخلقی و دشمنی و... آثار مخرب روحی و روانی را در پی دارد.

توصیه روایات بر این است که در این مسائل نباید گذاشت زنگار و سوسه‌ها به افکار انسان رسوخ پیدا بکند. و آن را بر ذهن و زبان جاری نسازد. البته با نگاهی دقیق به نظر می‌رسد که این مورد در حقیقت همان تأثیر ذهن بر عواطف و احساسات است که در رفتارهای ارادی ما اثر گذاشته و با یک عملکرد نادرست و ناتمام، نتایج ناخوشایندی را به بار می‌آورد. این بُعد نشان از تأثیر ذهن در جهت منفی آن می‌باشد.

در حدیثی از حضرت سجاد (ع) در رابطه با سخن گفتن و سکوت سؤال شده است که آیا کدام یک از این دو افضل و بهتر است؟

حضرت فرمودند: هر یک از سخن گفتن و سکوت آفات و زیان‌هایی دارد، که البته در هر صورت گفتن بهتر از سکوت است. شخص پرسید چطور و به چه دلیل؟ حضرت فرمودند: به دلیل اینکه خداوند متعال انبیاء، و اوصیاء را برای سکوت و خاموش بودن مبعوث نفرموده است. بلکه برای حرف زدن و ابلاغ مطالب و حقایق فرستاده است. استحقاق بهشت به وسیله کلام و سخن (عبادت) به دست می‌آید نه از راه سکوت. و همچنین ولایت الهی از راه سخن تثبیت و تحقق می‌یابد نه به وسیله سکوت. و از راه سکوت نیست که انسان از آتش دوزخ مَصون می‌ماند. همه‌ی این فوائد از اثر کلام و سخن می‌باشد. من هرگز ماه را با خورشید برابر نمی‌دانم حتی اگر بخواهم ارزش و فضیلت سکوت و خاموشی را توصیف کنیم باید از راه کلام و سخن گفتن باشد، ولی فضیلت و ارزش کلام را نمی‌توانیم بوسیله سکوت بیان کنیم.

از آن جایی که استعاذه یک واقعیت کلامی است و رابطه مستقیمی با دعا دارد. پس در نتیجه هر زبانی که لب به استعاذه بگشاید، یعنی قبل از کلام تأثیر مستقیم آن را بر روح و روان دیده و مُستعید اقرار به ناتوانی خویش در برابر پروردگار دارد. لذا استعاذه‌کننده به این نتیجه رسیده است که در اخلاق و معرفت دیگران هم می‌تواند تأثیر گذار باشد.

سید رضی، «نهج البلاغه»، ترجمه شهیدی، خطبه ۱۹۶.

متقی هندی، علی بن حسام الدین، «کنز العمال»، ج ۹، ۱۴۷۰.

مکارم شیرازی، ناصر، «الأخلاق فی القرآن»، ج ۱، ص ۱۳۶۰.

۲-۱-۳. تأثیر استعاذه در اصلاح رفتار

در روان شناسی رفتار انسان با توجه به ثمرات آنها به هنجار و ناهنجار تقسیم می گردد، و هر کاری که زیر مجموعه رفتارهای هنجارگونه قرار بگیرد، به عنوان کار انسانی و اخلاقی محسوب گردیده و در عکس آن نیز مصداق خارجی می تواند داشته باشد.

در دین اسلام رفتارهای انسان اساساً به رفتارهای درونی و بیرونی تقسیم می شوند. و افکار انسان می تواند تأثیرات عدیده ای را در رفتار و حتی در مسیر زندگی بشریت داشته باشد. همه انسان ها با توجه به اینکه دارای نقاط ضعف و نقصهایی هستند ولی بدون توجه به آنان و با استعاذه می توانیم با افکار مثبت، زندگی خود را در یک مسیر مشخص شده و اصولی قرار دهیم که سرچشمه الهی داشته باشد. با استعاذه می توان به جای انگشت نهادن بر مشکلات و بزرگ کردن آنان، با استمداد از قدرت و علم الهی در راستای برطرف کردن آن ها تلاش کرد. هم چنین در برخورد با نقاط قوت اخلاقی در شخصیت خود به تقویت و رشد هر چه بیشتر آنها پردازیم. به عبارت دیگر آب را از سرچشمه بگیریم و در سرزمین نفس خود پرورش دهیم تا تأثیرات آن را در رفتار خود مشاهده کنیم. وقتی که انسان در ذات الهی غرق شود، ضمیر ناخود آگاه خود را مطابق با شرایط موجود وفق داده و رفتاری نیکو را از خود بروز دهد.

وقتی انسان اندیشه ای را در ذهن خود می پرورد و آن را به نقطه عملی شدن می رساند، در نتیجه از تصور به تصدیق رسیده و عاقبت امور را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد. استعاذه نیز رفتار انسان را تحت شعاع خود قرار داده، و شخص استعاذه کننده سعی می کند رفتاری را در شأن و در جهت اراده مستعاذبه صادر نماید. نمونه این رفتار در جامعه، دست خوش آمال و آرزوها قرار گرفته و منیت ها هواها و هوس های نهفته در جوامع را در سلطه خویش قرار دهد! نتیجه این نوع از استعاذه، آرامش خاطر روح آدمی خواهد بود که شخصیت مستعید را به بهترین مأمن و جایگاه های رهنمون می نماید که تمام پناه گاه های زیرزمینی و هوایی با آن قابل مقایسه نیست و انسان را روز به روز به تکامل رهنمون می نماید.

۳. تأثیر استعاذه در اخلاق خانواده

یکی از مهمترین عوامل تعالی معرفت انسان، اخلاق می باشد و استعاذه تأثیرات مستقیمی بر اخلاق خانواده دارد. نمونه ای این تأثیرات را در چند قسمت اشاره خواهیم کرد:

۳-۱. تأثیر استعاذه در تربیت فرزندان

استعاذه در تربیت فرزندان قابل تجربه و إدراک است و با زندگی فردی و اجتماعی انسان ارتباط نزدیکی دارد. از طرفی دیگر، از مهم ترین دستورات دین، تلاش در جهت تربیت فرزندان صالح است و هر پدری نسبت به فرزند خویش وظایفی برعهده دارد که از جمله مهم ترین آن ها تربیت اخلاقی فرزندان می باشد.

تربیت در دیدگاه اسلام بالتبع یکی از واجبات دین محسوب شده و همان گونه که انسان به عنوان وظیفه ذاتی خود باید به دنبال غذای پاک سعی و تلاش نماید، بلکه باید با همین اولویت به غذای ذهن خود و خانواده اش نیز هم بی اعتنا نبوده و در جهت اعتلای آن تلاش نماید.

از این منظر خداوند متعال در قرآن می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاطٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ»^{۱۶}

خانواده به عنوان محیط و یا به عبارتی دیگر، به عنوان عنصر اساسی شکل گیری ذهنیات، عادات، خلقیات و آمال و آرزوهای انسان شناخته می شود.

در دنیای کنونی نیز خانواده هدف اصلی شیطان و دشمنان عدیده ای است و بهترین راه برای تربیت، کمک گرفتن از خداوند است تا انسان بتواند علاوه بر موفقیت در این آزمون سخت، از لحاظ اخلاقی نیز تأثیرگذار باشد و در جهت امنیت آینده آنان نیز قدم بردارد.

در تشکیل شالوده انسان، در مرحله اول تقویت باور مهم ترین مسئله است و زیر بنای مسائل اعتقادی و تربیتی می باشد. مرحله دوم در تشکیل شخصیت فرزندان، خودسازی است و پدر و مادر باید از خود شروع نمایند تا فرزندان دنباله رو یافته های والدین خود باشند. مرحله آخر دعا کردن اعضای خانواده می باشد که از جمله بهترین دعاها، استعاذه می باشد. استعاذه علاوه بر اقرار به وحدانیت پروردگار، تجدید عهد و پیمانی دوباره با خداوند تبارک و تعالی می باشد و نوعی تعهد اخلاقی بر مستعید است که از جهت اعتصام به حبل الله المتین را در پی دارد.

هم چنین اعتصام به ذات و صفات پروردگار از عذاب های سخت و طاقت فرسای آخری نیز از نکات دیگر مرتبط با استعاذه است که در متون دینی به آن تأکید بسیار ویژه ای شده که نشان از اهمیت والای آن دارد.

در تفسیر «المیزان» علامه طباطبایی می فرماید:

مادر حضرت مریم (س) علم غیب نداشته و آینده یک کودک از بدو تولد به صورت طبیعی برای همگان نامعلوم است. زیرا که غیر از خداوند سبحان کسی از این مسائل خبر نداشته، و مادر حضرت می نیز می دانسته که به زودی از شوهرش عمران صاحب فرزندی پسر، و صالح خواهد شد و بعد از آن که دوران حاملگی را سپری نمود، همسرش از دنیا رفت. مادر حضرت مریم (س) شکی نداشت که جنین در شکم او همان پسری است که برایش وعده داده شده است. اما بعد از آنکه فرزند را به دنیا آورد، فهمید حدسش خطا رفته، و یقین کرد که آن پسر موعود را به حضرت مریم (س) عطا خواهند کرد و او دارای ذریه ای مبارک خواهد بود که زیان زد خاص و عام خواهد بود.

به همین جهت نذر خویش را که به پسر بر زیان آورده بود، به دختر تبدیل کرد و دخترش را مریم (زنی عابده و خادمه کنیسه) نام نهاد. هم چنان که خداوند در آیه قرآن فرمودند: «فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ اِنِّیْ وَضَعْتُهَا اُنْثٰی وَ اللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَ لَیْسَ الذَّکَرُ کَالْاُنْثٰی وَ اِنِّیْ سَمَّیْتُهَا مَرْیَمَ وَ اِنِّیْ اَعِیْذُهَا بِکَ وَ ذَرِّیَّتَهَا مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیْمِ». این آن چیزی

سوره تحریم: ۶۶، آیه ۶. «ای کسانی که ایمان آورده اید، خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن، مردم و سنگهاست حفظ کنید: بَرِّا آن [آتش] فرشتگانی خشن [و] سختگیر [گمارده شده] اند. از آنچه خدا به آنان دستور داده سرپیچی نمی کنند و آنچه را که مأمورند انجام می دهند.»

سوره آل عمران: ۲، آیه ۳۶. «پس چون فرزندش را بزاد، گفت: «پروردگارا، من دختر زاده ام و خدا به آنچه او زایید دانایتر بود و پسر چو لا دختر نیست؛ و من نامش را مریم نهادم، و او و فرزندانش را از شیطان رانده شده، به تو پناه می دهم»

است که دقت در کلام خدا آن را به ما می فهماند که حتی حضرت مریم به جهت تبعاتی که شیطان برای خود و فرزند او داشته است به خداوند پناه می برد.

در آیه ی دیگری، هنگامی که حضرت ابراهیم (ع) در بین دعای خود به یاد این نعمت بزرگ می افتد ناگهان رشته دعا را رها نموده و به شکر خداوند می پردازد و خداوند را به خاطر استجابت دعایش حمد و ستایش می نماید:

«رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ»^{۱۹}

نسبت دادن نماز به خدا با اینکه او نماز را می خوانده است، نظیر نسبت دادن دوری از بت پرستی به خداوند است که هر عملی برای ایشان از جمله نماز خواندن و بت نپرستیدن به خدای تعالی نسبت دارد، و آن هم عبارت است از احتیاج و ارتباط انسان به إذن و مشیت خداوند که نسبت به عامل دارد و آن نسبت تصدی و صدور است.

فقره ی دوم از دعای ابراهیم^۸ است که فرزندانش را در این امر مهم شرکت داده است. دعای اوّل ایشان جمله «وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَ اجْنُبْنِي وَ بَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ» و دعای سومش جمله «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ» است که پدر و مادر و عموم مؤمنین را در آن شرکت داده و به درگاه الهی دعا کرده است.

آری، نکته شایان توجه در دعاها ی ابراهیم (ع) نکته ای که در هر سه فقره از آن رعایت شده، این است که ابراهیم در همه آن ها خودش را به عنوان مفرد و مستقل ذکر کرده و در دعای اوّلش گفته است: «وَ اجْنُبْنِي» و در دومی فرموده است: «اجْعَلْنِي»، و در سومین دعای خود گفته است: «اغْفِرْ لِي»، و این بدان جهت بوده که حضرت خواسته علاوه بر فرزندانی که در این موقع دعا داشته، تمامی ذریّه آینده اش را هم به خود ملحق سازد، هم چنان که در جای دیگر از آن حضرت نقل شده: «وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ» و باز در آیه ی دیگری خداوند تبارک و تعالی گفت و شنود خویش را با وی چنین حکایت نموده است: «وَ إِذِ ابْتَلَى إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» در فقره اول از دعایش گفت: «وَ اجْنُبْنِي وَ بَنِيَّ» و در اینجا گفت: «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ»^{۴۰} البته ممکن است این سوال برای خواننده پیش بیاید که چرا در اوّل نگفته است: «وَ مِنْ

طباطبایی، سید محمد حسین، «ترجمه تفسیر المیزان»، ج ۳، ص ۲۸۱

سوره ابراهیم: ۱، آیه ۴۰. «پروردگارا، مرا برپادارنده نماز قرار ده، و از فرزندان من نیز. پروردگارا، و دعای مرا بپذیر».

سوره ابراهیم: ۱، آیه ۳۵. «و [یاد کن] هنگامی را که ابراهیم گفت: پروردگارا، این شهر را ایمن گردان، و مرا و فرزندانم را از پرستیدن بتان دور دار».

سوره ابراهیم: ۱، آیه ۴۱. «پروردگارا، روزی که حساب برپا می شود، بر من و پدر و مادر و بر مؤمنان ببخشائی».

سوره الشعراء: ۲۶، آیه ۸۴. «و برای من در [میان] آیندگان آوازه نیکو گذار».

سوره بقره: ۱، آیه ۱۲۴. «و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود، و وی آن همه را به انجام رسانید، [خدا به او] فرمود: «من تو را را پیشوای مردم قرار دادم» [ابراهیم] پرسید: «از دودمانم [چطور]؟» فرمود: «پیمان من به بیدادگران نمی رسد».

سوره ابراهیم: ۱، آیه ۴۰. «پروردگارا، مرا برپادارنده نماز قرار ده، و از فرزندان من نیز. پروردگارا، و دعای مرا بپذیر».

بُنَى: و بعضی از فرزندان مرا» و در دومی کلمه «من» را آورده است؟ در جواب این پرسش خواهیم گفت: هر چند که ظاهر فقره اول عمومیت، و ظاهر فقره دوم تبعیض است، و لکن در گذشته نیز ثابت شده که مراد حضرت ابراهیم^۸ در فقره اول نیز بعضی از ذریه اش بوده، نه همه آنها، و بعد از اثبات این معنا، به دست می آید که هر دو فقره با هم تطابق دارند و ابراهیم (ع) ختم دعای با این جمله می باشد.^{۲۵}

البته با فحص در در آیات مختلف، یکی از مهم ترین این آیه ها در قرآن مربوط به استعاذه به درگاه الهی است که انسان برای فرزندان و ذریه خود، آن را بر زبان خویش جاری می کند. چه بسا از مهم ترین تأثیرات استعاذه در مرحله اول؛ یاری رساندن به پدر و مادر در امر تربیت بوده و در مرحله دوم؛ دوری شیطان از فرزندان را در پی داشته و در نتیجه نصرت الهی را در تربیت اخلاقی والدین به دنبال دارد و منجر به عاقبت به خیری فرزندان خواهد شد.

امام سجاد (ع) در صحیفه سجّادیه برای خانواده خود از خداوند خیر و نیکی را می خواهد و به درگاه الهی دعا می کند. هم چنان که به عنوان همسری شایسته برای خانواده خویش نیز باید این گونه عمل نموده و برای هم دیگر طلب خیر و نیکی نمایند: «وَ اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدَيَّ... وَ لِأَهْلِي وَ وَلَدِي...» یا «وَ بَارِكْ لِي فِي أَهْلِي وَ وَلَدِي وَ مَالِي...».

۳-۲. تأثیر استعاذه در بهبود روابط خانواده

نخستین اجتماعی که آدمی در آن بار می آید تا زیستن در جامعه بشری و همیاری و همزیستی با انسانهای دیگر را به اقتضای فطرت بشری فراگیرد، همین خانواده است. یعنی نخستین هسته پیدایش اجتماع چون جامعه بشری را به پیکری واحد تشبیه کنیم، خانواده را می توانیم نخستین سلول پدیدآورنده آن بدانیم.

به اعتبار این فلسفه وجودی، اندیشمندان می گویند: خانواده هم مکتب شایسته پرورش انسان و اجتماعی شدن اوست، هم پناهگاه و مأمن او تا سختی های زیستن در اجتماع بشری و مراوده و معاشرت و ارتباط با انسانهای دیگر را با دستیابی به ابزارها و امکانات لازم که در نهاد خانواده است و دیگر اعضای خانواده در دسترس او می گذارند، تاب آورد. با این همبستگی اخلاقی و حقوقی، احساس وظیفه بیش از خواست و نیاز جنسی در روابط زن و مرد اهمیت می یابد و با این انگیزه است که زن و مرد می توانند عشق را با اخلاق درآمیزند تا محیط مساعدی برای رشد جسمانی و اعتلای معنوی و اخلاقی فرزندان فراهم آید.

خانواده کوچک ترین اجتماع انسانی است که روابط تک تک اعضای از آن پیوند های عاطفی و اخلاقی نشأت می گیرد و هر یک از اعضای خانواده نقش اساسی در قبال هم دیگر داشته و باعث پدید آمدن روابطی هستند که سر منشاء آن تکالیف و حقوق خاصی است که همسر، پدر، مادر و فرزندان در آن دارای جایگاه ویژه ای نسبت به یکدیگر است و اجرای احکام حقوقی در آن، حافظ نظم بی شائبه در این کانون پرمحبت خواهد بود. هم چنین شناخت احکام اخلاقی خانواده و عمل به آنها، هم بستگی خانوادگی را سالم و نهال را به درختی استوار تبدیل می نماید که با هر باد و لرزه ای ترک بر نمی دارد.

طباطبایی، سید محمد حسین، «ترجمه تفسیر المیزان»، ج ۱۲، ص ۳۱۲

نمایه نامه موضوعی صحیفه سجّادیه جامعه، دعای ۲۰۰، فراز ۴۸، ص ۶۱۲. «خدایا، من و والدین... و همسر و فرزندانم را بیامرز»

الصحیفه السجّادیه، دعای ۲۵۱، فراز ۳۳، ص ۶۷۳. «خدایا، خیر و برکت خود را برای من، بر همسر و فرزندان و مالم عنایت کن.»

خانواده محلی است که استعدادهای تک تک انسان ها در کانون مقدس آن شکوفا می گردد و به عبارتی محل رشد و بالندگی استعدادها و بروز خلاقیت ها و مهد تربیت انسان ها و سرچشمه محبت ها و عاطفه ها است.

هم چنین خانواده از حیث روان شناسی به سالم و غیر سالم تقسیم می شود. و از حیث اخلاقی نیز، خانواده سالم مجموعه ای است که در آن همه اعضا خود را از حیث تربیتی موفق ارزیابی می کنند و از لحاظ اخلاقی ارتباط درستی بین آنان از حیث عطفوت، صمیمیت، رفتار شایسته و قابل انعطاف وجود دارد که منجر به دوام آن خواهد شد.

در دین مبین اسلام تشکیل خانواده و تلاش برای ایفای صحیح وظایف والدین و فرزندان و استحکام بنیان های خانواده مورد توجه و تأکید قرار گرفته تا جائی که پیامبر اسلام (ص) می فرمایند: «مَا بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ النَّزْوِجِ»^۸ بنابراین همواره سیادت و برتری و پیشرفت و موفقیت از آن ملت هایی خواهد بود که در آنها خانواده اساس محکم تری نسبت به سایرین داشته و انحطاط هر قوم از زمانی آغاز خواهد شد که در مبانی و اصول خانوادگی آن سستی و یا پستی رسوخ نماید. به گفته زوسران استاد فرانسوی: به طور معمول نخستین نشانه های آفت و آسیب، پیش از آنکه در ساختمان نیرومند و وسیع تر دولت پدیدار شود در خانواده بروز می کند.

با نظر به آیات الهی و پرداختن آیات متعددی در قرآن، کلمه بیت به مکانی مسقف و محدود از حیث لغوی تعریف می شود که محل اجتماع و زیست خانواده و اولین محیط رشد و پرورش است. به همین دلیل محیط خانواده و خانه مورد عنایت حق تعالی بوده و بر حسب کارایی و جایگاه ویژه در حیات انسانی، از اهمیت به سزایی برخوردار است. در این جا به بعضی از این موارد در قرآن اشاره می کنیم:

• اولین کارکرد خانه، تأمین آرامش جسم و تسکین جان اعضای آن است که البته مرهون امنیت همه جانبه ی این محیط برای اعضاست. فضای محدود و امن خانه، حریمی برای ابراز احساسات بیان آسرار، إرضای غرایز و تأمین نیازهای جسمی و روحی انسان است. این سکونت و امنیت را خداوند به خود نسبت می دهد و می فرماید:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»^{۳۰}

واژه سکن به معنای هر چیزی است که انسان به وسیله آن تسکین یابد. انسان علاوه بر نیاز به سکونت در خانه، به محلی برای تسکین آلام روحی، رهاشدن از برخی قیودات اجتماعی، استراحت به نحو دلخواه، خلوت کردن و راز و نیاز با خدا و محارم نیاز دارد. اگر خانه تأمین کننده این نیازها نباشد، مسکن نخواهد بود.

نوری، میرزا حسن، «مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل»، ج ۱۴، ص: ۱۵۳. «در اسلام هیچ بنایی نزد خدا محبوب تر از بنیان ازدواج نیست».

ویسی، غلامرضا، «آسیب شناسی خانواده و راه های پیشگیری از آن»، ج ۱، ص ۲۹۹.

سوره روم: ۳۰، آیه ۲۱. «و از نشانه های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این [نعمت] برای مردمی که می اندیشند قطعاً نشانه هایی است».

• خانواده ی پیامبر (ص) الگوئی برای همه خانواده ها است. لذا باید بیش از دیگران مراقب امتثال اوامر الهی باشند. هر فرد باید حافظ شئون، موقعیت و آبروی خانواده خود نزد سایر افراد باشد. محیط آرام و مأنوس خانه، آن را مکانی مورد احترام و عنایت قرار داده است؛ اما چنان چه این محل مَعْبَدی برای بندگی و ذکر حق واقع شود، خداوند آن را رفیع و عظیم می گرداند، چنانکه خطاب به رسول گرامیش می فرماید:

«فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ»^{۳۱}

رفعت و علوّ حقیقی خاص خداوند متعال است؛ خانه ای که مسجد خداوند و محل تسبیح او باشد، نیز عظیم و رفیع است.

آنچه از آیه ی فوق و تفسیر مرحوم علامه طباطبائی در کتاب شریف «المیزان» استفاده می شود، این است که اگر خانه از هر پلیدی و لوئی منزّه بماند و به ذکر خدا و عبادت او مزین شود، رفعت یافته و از یک چهار دیواری سرد و بی روح خارج خواهد شد و هر قدر صبغه ی الهی و معنویت بیشتر شود، مقامی رفیع تر خواهد یافت که مصداق کامل و بارز آن کعبه، خانه ی خدا است.

• از نظر قرآن، خانه در مقام و جایگاه والایی قرار دارد. به قدری که حفظ حریم آن بر همگان توصیه شده است. خداوند متعال می فرماید: سلام و درود فرستادن بر اهل خانه، هنگامی که به خانه ای وارد می شویم در آیه قرآن یکی از امورات مقدّس و اوامر الهی سفارش شده است:

«فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ».

از آنجا که سلام بیان تحیتی مبارک از نزد پروردگار متعال است، هم چنین والاترین رابطه میان اعضای خانواده نیز می باشد که با تحیت و سلام بر هم دیگر برخورد نموده و یاد خدا میان آنان برقرار است. این رابطه قدسی اگر در خانه ای برقرار شود، به طور قطع به جامعه نیز سرایت خواهد نمود. پس حقیقت سلام، گسترش امنیت و سلامتی در میان تمام انسان ها و جوامع بشری نیز می باشد.

سوره نور: ۲۴، آیه ۳۶. «در خانه‌هایی که خدا رخصت داده که [قدر و منزلت] آنها رفعت یابد و نامش در آنها یاد شود. در آن [خانه] ۲۵ هر بامداد و شامگاه او را نیایش می‌کنند».

طباطبائی، سید محمدحسین، «تفسیر المیزان»، ج ۱۵، ص ۱۷۸-۳۳۷۹

سوره نور: ۲۴، آیه ۶۱. «پس چون به خانه‌هایی [که گفته شد] در آمدید، به یکدیگر سلام کنید؛ درودی که نزد خدا مبارك و خوش است»^{۳۲}. خداوند آیات [خود] را این گونه برای شما بیان می‌کند، امید که بیندیشید».

در نتیجه بنیان و اساس خانواده و بهبود روابط خانواده از امور مهم در اسلام است که باید تک تک اعضا برای بهبود بخشیدن به آن باید تلاش کنند. استعاده در خانواده همچنان که در آیات قبلی اشاره شد و تأثیر استعاده در تربیت فرزندان به صورت های مختلف قابل مشاهده است و این امر در بهبود روابط خانواده می تواند تأثیر به سزایی را ایفا نماید.

۴. تأثیر استعاده در اخلاق مداری جامعه

بعد از بررسی تأثیرات استعاده بر اخلاق فردی و خانواده، این تربیت ها دست در دست هم داده و در جامعه متبلور می شود و خود نمایی می کند. با اشاره ای به تأثیر اخلاق در رفتارها و ناهنجاری های اجتماعی می توان به تبعات وجودی یا عدمی آن اشاره کرد:

۴-۱. تأثیر استعاده در اصلاح رفتارهای اجتماعی

به آن دسته از بایدها و نبایدهای غیرالزام آور (غیرحقوقی) که مربوط به روابط گروهی جمعی است، اخلاق اجتماعی گفته می شود. به عبارت دیگر، به مجموع ارزش ها و هنجارهای غیرالزامی حاکم و رایج بر نظام های رفتاری جمعی در جامعه نیز اخلاق اجتماعی اطلاق می شود. از جمله اخلاق اجتماعی؛ اخلاق در خانواده، اخلاق در آموزش و تعلیم و تربیت، اخلاق در سیاست و قدرت، اخلاق در کار و معیشت، اخلاق در مرافعه و جنگ و صلح در زمره شاخه های مهم این نوع اخلاق قرار دارند.

محور اصلی اخلاق اجتماعی، ارتباط انسان با دیگران است و در پرتو نشست و برخاست با دیگران و زندگی اجتماعی شکل می گیرد، همانند احسان، احترام یا توهین به دیگران، همکاری یا ایثار که محور اصلی تمام این روابط را تشکیل می دهند.

از این منظر که اسلام دینی اجتماعی است و در متن خود برای تک تک جوامع بشری برنامه ای منظم دارد و در جهت بهبود وضع جامعه، صاحب نظریه ی عقلانی و دارای راه و روش اخلاقی و منحصر به فرد نیز می باشد.

۱- اولین مقوله در تقویت رفتارهای اجتماعی اصلاح امور است که از واژه صلح و به معنای آشتی دادن و در مفهوم به زدودن اختلافات و دوگانگی ها، و یا نزدیک ساختن دل های رمیده به یکدیگر اطلاق گشته است. البته اصلاح ذات البین در معنای استوار سازی پیوندهای فردی و اجتماعی نیز کاربرد دارد.

اگر در بین انسان ها جدایی رخ دهد، طبق دستور صریح آیه شریفه ی قرآن باید طریقت اصلاح را در آن پیش رو گرفت تا به از هم گسستگی آحاد جامعه نیانجامد و به یقین گستره اصلاح ذات البین میان برادران مؤمن یکی از اصول اسلام است که خداوند در آیه شریفه می فرماید:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ»^{۳۶} مؤمنان از آن روی که برادر هستند و در هدف و اصول اساسی دین همراه و هم مرامند، پس لازمه اصلاح بین آنان نیز از ضروریات دین می باشد.

حق شناس، حمیدرضا، «اخلاق اجتماعی در صحیفه سجاده»، ص ۳۴۱

مصباح یزدی، محمدتقی، «اخلاق در قرآن»، ج ۱، ص ۳۴۲

سوره حجرات: ۴۹، آیه ۳۶

اصلاح و ساماندهی روابط اجتماعی بین برادران دینی خود امری ضروری است، اما هیچ گاه مراد از اصلاح، از بین بردن سلیقه های گوناگون و همسان سازی آن ها نبوده و نیست، و این برخلاف سرشت آدمی است؛ زیرا انسان ها از آنجا که دارای تمایلات، ویژگی های فکری و محیط زیست ناهمسانی هستند، به طور طبیعی به جدایی سلیقه و شیوه هایی در زندگانی انسان ها می انجامد که امری کاملاً طبیعی است.

علاوه بر آیه قبلی، واژه اصلاح قریب به ۸۰ بار در قرآن آمده است که به تناسب اصلاح امور اجتماعی به تعدادی از آنها اشاره می کنیم:

- «وَأَعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَنْمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فَنَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ»^{۳۸}

«و با حضرت موسی (ع)، سی شب وعده گذاشتیم و آن را با ده شب دیگر تمام کردیم. تا آنکه وقت معین با پروردگار در چهل شب به سر آمد. و موسی [هنگام رفتن به کوه طور] به برادرش هارون گفت: «در میان قوم من جانشینم باش، و [امورات آنان را] اصلاح کن، و از راه فسادگران پیروی نکن.»

- «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَأَنْفَقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^{۳۹}

[ای پیامبر!، از تو در باره غنایم جنگی می پرسند. بگو: «غنایم جنگی اختصاص به خدا و فرستاده [او] دارد. پس از خدا پروا دارید [تقوا پیشه کنید] و با یکدیگر سازش نمایید، و اگر ایمان دارید از خدا و پیامبرش اطاعت کنید.

- «وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهِلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ»^{۴۰}

و پروردگار تو [هرگز] بر آن نبوده است که شهرهایی را که مردمش اصلاحگرند، به ستم، هلاک کند.

- «وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ»

و در آن شهر، نه دسته بودند که در آن سرزمین فساد می کردند و از در اصلاح در نمی آمدند.

- «سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ»

به زودی آنان را راه می نماید و حالشان را نیکو می گرداند.

طباطبایی، سید محمدحسین، «المیزان»، ج ۱۱، ص ۳۷

سوره اعراف: ۷، آیه ۳۵۲

سوره انفال: ۸، آیه ۳

سوره هود: ۱۱، آیه ۹۷

سوره نمل: ۲۷، آیه ۴۸

سوره محمد: ۴۷، آیه ۵

«وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»^۳

«و اگر دو طایفه از مؤمنان با هم بجنگند، میان آن دو را اصلاح دهید، و اگر [باز] یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد، با آن [طایفه‌ای] که تعدی می‌کند بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد. پس اگر بازگشت، میان آنها را دادگرانه سازش دهید و عدالت کنید، که خدا دادگران را دوست می‌دارد.»

۲- دومین مقوله در تقویت اخلاق اجتماع، حسن خلق است، و حسن خلق ملکه ای برای انسان است و برای صاحب آن، انجام زیبایی را دربردارد و دوری از زشتی را آسان می‌نماید و این مهم، در ارتباط با مردم به نیکی و صدق و مودت و لطف و حسن مصاحبت و حسن معاشرت و مواسات و رفق و حلم و صبر و محبت به دست می‌آید.^۴ و همچنین امام سجاد (ع) در حدیثی، یکی از لوازم چهارگانه کامل شدن اسلام «حُسن خلق» را یکی از عوامل تقویت ارتباطات و رفتارهای اجتماعی می‌داند:

«أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَمَلَتْ إِسْلَامُهُ، وَمُحَصَّنَةٌ ذُنُوبُهُ، وَلَقِيَ رَبَّهُ (عَزَّ وَجَلَّ) وَهُوَ عَنْهُ رَاضٍ، مَنْ وَفَىٰ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِمَا يَجْعَلُ عَلَىٰ نَفْسِهِ لِلنَّاسِ، وَصَدَقَ لِسَانُهُ مَعَ النَّاسِ، وَاسْتَحْيَا مِنْ كُلِّ قَبِيحٍ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ النَّاسِ وَحَسَنَ خُلُقَهُ مَعَ أَهْلِهِ»^{۴۵}

چهار صفت است که اگر در کسی باشد، اسلامش کامل می‌شود و گناهانش از بین می‌رود و در حالی خداوند را ملاقات می‌کند که از او راضی است: به عهد الهی در مواردی که بر او در ارتباط با مردم لازم است وفا کند، زبانش با مردم صادقانه باشد، از هر امر زشتی که نزد خداوند و مردم زشت است حیا پیشه کند، و با خانواده اش حسن خلق داشته باشد که در بحث گذشته به تفصیل درباره آن پرداخته ایم.

البته علاوه بر اصلاح ذات البین و حسن خلق، سازگاری، گذشت یا ایثار، عوامل دیگری نیز هم تأثیر در رفتارهای اجتماعی وجود دارد که به این دو مورد مهم بسنده می‌کنیم.

هرچند در صحیفه سجّادیه استعاذه برای مقاصد اجتماعی در دعاها به صراحت بیان نشده است، اما الفاظ استعاذه صراحت در اخلاق فردی و خانوادگی دارند و این مقولات سرمنشأ پیدایش اخلاق و اصلاح امور اجتماعی خواهند بود.

۲-۴. تأثیر استعاذه در کاهش ناهنجاری های اجتماعی و رشد معنوی جامعه

دیدگاه اسلام به جامعه با دید تکریم جایگاه انسان ها بوده و در ساختار آن سعی بلیغی را دنبال می‌کند. اهتمام جامعه به حدّی است که اسلام نوع احکامش را به روال جمعی تنظیم نموده و در هنگام تزاخم مصلحت فرد و جامعه، صلاح جامعه را بر صلاح و منفعت فردی مقدم می‌دارد.

سوره حجرات: ۴۹، آیه ۹

حسینی، سید علی خان، «ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین»، ج ۳، ص ۴۹۹

مجلسی، محمدباقر، «بحارالانوار» ج ۶۹، ص ۳۸۵

در دین مبین اسلام، احکام اسلامی نظیر نمازهای جماعت، جمعه، عیدین، کنگره عظیم حج، جهاد، انفاق و زکات با توجه به مصارف هشت گانه آنها به گونه‌ای تنظیم شده اند که منجر به تقویت زیست گاه انسان ها در جوامع بشری باشند. یکی از موضوعات محوری در مقایسه با سایر موجودات، استعدادها و امتیازهایی است که انسان را از ابعاد معنوی و غیر جسمی اش ممتاز می نماید. در بهبود شاخص‌های رشد انسانی و معنوی، الگوی رفتاری قرآن و اهل بیت معصومین (ع) بهترین الگو برای بشریت در عصر حاضر است.

پیامبران الهی نیز به مثابه انسان‌های تکامل یافته و مقربین درگاه الهی دارای خصلت‌هایی همچون خردورزی، ایمان، شرح صدر، اخلاص و اعتدال می باشند که این فضایل والای انسانی، بشریت را در نیل به هدف غایی‌شان که قرب و عبودیت است، یاری می‌بخشد.

با دقت در آیات قرآن در لزوم وحدت و پرهیز از تفرقه و لزوم نظارت عمومی نیز نشانه اهتمام به جایگاه جامعه در اسلام می باشد، که به عنوان شاخص‌های رشد معنوی به عنوان فضیلت اجتماعی بر آن تأکید فراوانی شده است.

در آیه ی ۱۰۳ سوره آل عمران خداوند عزوجل در رابطه با آداب زندگی اجتماعی و اعتصام به حبل الهی می فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»

همچنین علامه طباطبایی در تفسیر آیه مذکور می فرماید که این آیه متضمن خطابی است اجتماعی و متوجه به عموم و مجموع، و این خود مؤید گفتار ما است که در آیه قبلی هم گفتیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ...» و در این صورت این نتیجه به دست می آید که پس منظور از دعوت به خیری که ایشان را زنده می کند، دعوت به اتفاق و تمسک عموم به حبل الله و إقامة دین و اجتناب از تفرقه و اختلاف است، هم چنان که در آیه ی دیگری فرموده اند: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» و نیز در آیه ای دیگر فرموده اند: «أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» و در همان باره اشاره ای به تبعیت از راه راست داشته و از تفرقه که مانعی برای تقواست انسان ها را برحذر داشته اند: «وَأَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»^{۵۴}

آل عمران: ۲، آیه ۱۰۳. «و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید؛ و نعمت خدا را بر خود یاد کنید؛ آن گاه که دشمنان [یکدیگر] بودند، پس میان دلهای شما الفت انداخت، تا به لطف او برادران هم شدید؛ و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رها کند. این گونه، خداوند نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌کند، باشد که شما راه یابید.»

سوره انفال: ۸، آیه ۲۴. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خواند که شلاخه را حیات می‌بخشد!...»

سوره شوری: ۴۲، آیه ۱۳. «به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش نمودیم که دین خدا را بر پا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین مکنند.»

سوره انعام: ۶، آیه ۱۵۲. «و این است راه راست من، از آن پیروی کنید و از راههای دیگر که موجب تفرقه شما از راه اوست متابعت نکنید. این است سفارش خدا به شما، شاید پرهیزکار شوید.»

طباطبایی، محمد حسین، «ترجمه تفسیر المیزان»، ج ۹، ص ۵۶

در این میان انسان مُستعیذ با ایجاد کیفیت و حالت نفسانی استعاده در دل، که پناهندگی به خدا را در عمل به فرامین الهی و برنامه های حیات دینی می بیند؛ در بعد اجتماعی هم که بخشی برنامه های دینی او را شامل می شود، توجه ویژه به آن برنامه ها داشته و در سود رسانی به افراد جامعه کوشاست، تا از این طریق هم خود و هم دیگران را یاری و سود رسانده و خویش را محبوب درگاه الهی بکند.

۵

۱

نتیجه گیری

نیروی تفکر و اراده، علاوه بر نفس انسان، بر روی احساسات، رفتار و گفتار او نیز تأثیر شگرفی را ایجاد می کند که کمالات معنوی و اخلاقی بشریت را مستقیم و غیر مستقیم تحت تأثیر خویش قرار می دهد. زندگی انسان نیز در دایره فردی و اجتماعی، اندیشه و احساس را متأثر از این استمدادها می نماید و تا مدت های مدیدی از آثار خیر آن بهره می برد و با ایجاد علقه ای معنوی و اخلاقی وجود لایتنهای پروردگار ایشان را طوری بر صفات خویش متخلّق می نمایید که به سعادت و تکامل منتهی می شود.

و بالعکس از جمله آثار بی اخلاقی درگیر شدن نهادهای اجتماعی، قانونی و حکومتی برای حل اختلافات ناشی از این موارد است، که حداقل آن صرف کردن هزینه های چندین برابری برای رفع پیامدهای این مهم خواهد بود. لذا هر چه جامعه بیشتر با اخلاق و معرفت مأنوس باشد، هزینه های اجتماعی آن نیز کمتر خواهد بود و به دنبال آن، آرامش و امنیت روحی و روانی را در پی خواهد داشت.

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- خمینی، روح الله، «آداب الصلّاء»، چاپ دوم، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۶
- ۳- مکارم شیرازی، ناصر، «اخلاق در قرآن»، چاپ دوم، مدرسه الامام علی بن ابیطالب، قم، ۱۳۸۱
- ۴- دستغیب، عبد الحسین، «استعاده»، چاپ هفتم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۵
- ۵- مکارم شیرازی، ناصر، «تفسیر نمونه»، چاپ بیست و پنجم، دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۶۹
- ۶- منیری، حسین، «جایگاه استعاده در اسلام و نقش آن در سلامت جامعه»، چاپ اول، آستانه مقدّسه قم، ۱۳۸۷
- ۷- مفید، محمد بن محمد محمد بن نعمان، «ثواب الأعمال و عقاب الأعمال»، چاپ چهارم، دارالشریف الرضی، قم، ۱۴۰۶
- ۸- جعفر امامی، محمد، «لغات در تفسیر نمونه»، چاپ اول، علی بن ابی طالب ۸، ۱۳۸۷
- ۹- محمدتقی مصباح یزدی، «اخلاق در قرآن»، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ۶، ۱۳۷۸
- ۱۰- کامرانیان، عباسعلی، «نکته های قرآنی درباره پناه بردن به خداوند»، چاپ اول، نور قرآن و اهلبیت %، تهران، ۱۳۹۴

- ۱۱- قوام الدین، محمد بن علی بن محمد حسین، «المواهب الغیبیه "شرح دعای استعاذه امام سجّاد (ع)"»، نویسنده ترجمه محمد برکت، چاپ اول، سازمان تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۹۱
- ۱۲- تاجی، حمید، و قربانیان، رضا، «رساله استعاذه»، چاپ اول، موسسه صاحب الامر، ۱۳۸۹
- ۱۳- رضایی بیرجندی، علی، «سبک زندگی در صحیفه سجّادیه»، چاپ اول، بوستان کتاب، قم، ۱۳۹۵
- ۱۴- زینی وند، تورج، کاظمی، محمد، «اخلاق در قرآن کریم و صحیفه سجّادیه»، چاپ اول، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۹۴
- ۱۵- احمدی فراز، مهدی، «صحیفه سجّادیه با اشاراتی به بهداشت روانی»، چاپ اول، دفتر نشر معارف، قم، ۱۳۹۳
- ۱۶- دایر، وین، «عظمت خود را دریابید»، مترجم محمد رضا آل یاسین، انتشارات هامون، ۱۳۹۰
- ۱۷- فیض پور، محسن، و انصاریان، حسین، «تفسیر و شرح صحیفه سجّادیه»، چاپ اول، دارالعرفان، قم، ۱۳۹۱
- ۱۸- احمدی، ذکرائله، «پژوهشی در صحیفه امام سجّاد (ع): بررسی و تحقیق از تاریخ صحیفه سجّادیه و اثرات روح بخش دعا‌های امام سجّاد (ع)»، چاپ دوم، بی جا، ۱۳۸۶
- ۱۹- رضوانی، علی اصغر، «پیام ها و هدایت ها: نکته شناسی در صحیفه سجّادیه»، چاپ اول، دلیل ما، قم، ۱۳۹۱
- ۲۰- احمدوند، فردین، «مکارم اخلاق در صحیفه سجّادیه»، چاپ اول، زائر آستان مقدس، قم، ۱۳۹۱
- ۲۱- ممدوحی، حسن، «شهود و شناخت»، ترجمه و شرح صحیفه سجّادیه، چاپ دوم، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۶
- ۲۲- مدرسی، سید محمد تقی، «دعا معراج مومنین و راه زندگی»، چاپ اول، انتشارات محبّان الحسین، ۱۳۷۹، ۸
- ۲۳- سید رضی، «نهج البلاغه»، ترجمه دکتر شهیدی، تهران، چاپ هفدهم، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴
- ۲۴- ویسی، غلامرضا، «آسیب شناسی خانواده و راه های پیشگیری از آن»، چاپ اول، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، تهران
- ۲۵- حق شناس، حمید رضا، «اخلاق اجتماعی در صحیفه سجّادیه»، چاپ اول، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، قم، ۱۳۸۸
- ۲۶- خسروپناه، عبدالحسین، «کلام جدید با رویکرد اسلامی»، چاپ اول، مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه ی علمیه، قم، ۱۳۷۹
- ۲۷- مصباح یزدی، محمد تقی، «سجاده های سلوک»، چاپ اول، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۹۰
- ۲۸- زین العابدین، علی بن الحسین (ع)، «الصحیفه السجّادیه»، چاپ اول، نشرالهادی، قم، ۱۴۱۸
- ۲۹- الطبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، «تفسیر مجمع البیان»، مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۳
- ۳۰- مصطفوی، حسن، «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم»، چاپ اول، وزارت ارشاد اسلامی، قم، ۱۳۶۸
- ۳۱- کلینی، محمد بن یعقوب، «اصول کافی»، چاپ چهارم، دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۶۵

- ۳۲- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، مترجم مهدی هوشمند، «مشكاة الأنوار فی غرر الأخبار»، چاپ اول دارالثقلین، قم، ۱۳۷۹
- ۳۳- طوسی، محمد بن حسن، «أمالی»، چاپ اول، دارالثقافة، عمان، ۱۴۱۴
- ۳۴- ابن مسکویه، احمد بن محمد، «تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق»، چاپ اول طلیعة النور، بی جا، ۱۴۲۶
- ۳۵- سعدی، ابوحبیب، «القاموس الفقہی»، چاپ اول، انتشارات دارالفکر، دمشق، ۱۴۰۸
- ۳۶- فیومی، احمد بن محمد، «مصباح المنیر»، چاپ اول، مؤسسه دارالهجرت، قم، ۱۴۰۴
- ۳۷- ابن منظور، محمد بن مکرم، «لسان العرب»، چاپ سوم، دارالفکر، قم، ۱۴۱۴
- ۳۸- مجلسی، محمد باقر، «بحار الأنوار»، چاپ اول، الطبع و النشر، تهران، ۱۴۱۰
- ۳۹- هویزی، عبدعلی بن جمعة، «نور الثقلین»، چاپ اول، ناشر اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵
- ۴۰- تمیمی آمدی، عبدالواحد، «غررالحکم»، چاپ اول، ناشر دارالکتاب اسلامی، قم، ۱۴۱۰
- ۴۱- عسکری، حسن بن علی (ع)، «تفسیر المنسوب الی الإمام العسکری»، چاپ اول، مدرسه الإمام المهدی (ع)، قم، ۱۴۰۹
- ۴۲- طباطبایی، سید محمد حسین، «تفسیر المیزان»، چاپ پنجم، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۷
- ۴۳- بحرانی، حسین، «الطریق الی الله»، چاپ اول، منشورات الحرمین، قم، ۱۴۰۴
- ۴۴- انصاری قرطبی، محمد ابوعبدالله، محقق عبد الله بن عبد المحسن التركي «تفسیر قرطبی، الجامع لإحكام القرآن»، مؤسسه الرسالة، بی جا، سنه ۱۴۲۷
- ۴۵- مرتضی زبیدی، سید محمد، «تاج العروس من جواهر القاموس»، دالفکر، بیروت، لبنان، سنه ۱۴۱۴
- ۴۶- عیاشی، محمد بن مسعود «تفسیر العیاشی»، مکتبه العلمیه الاسلامیه، بی جا
- ۴۷- ورام، محمد بن عیسی، «تنبيه الخواطر و نزہة النواظر المعروف بمجموعه ورام»، مکتبه الفقیه، قم، ۶۰۵
- ۴۸- نیشابوری، مسلم بن حجاج، «صحیح مسلم»، دارالحديث، قاهره مصر، ۱۴۱۲
- ۴۹- حسینی، سید علی خان، «ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین»، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۱ق
- ۵۰- مکارم شیرازی، ناصر، «الأخلاق فی القرآن»، چاپ اول، مدرسه الامام علی بن ابی طالب، قم، ۱۳۸۴